

فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط

دوره ۲، شماره ۷، تابستان ۱۴۰۰

شاپا الکترونیکی: ۹۷۸۲-۲۷۱۶

<http://www.ei-journal.ir>

صص. ۴۱-۵۴

تبیین ارائه راهکارهای طراحی فضاهای شهری زیست پذیر شاد در راستای ارتقای کیفیت زندگی

کیانوش حسنی^۱، مرجان بهاری نژاد

استادیار گروه معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)، شهر ری،
ایران (k_hasani78@yahoo.com)

کارشناس ارشد معماری، مدرس گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)،
شهر ری، ایران (marjanbaharinezhad@ymail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳۱۱

DOI:10.22034/(JRUPA-EI).2021.283930.1076

چکیده:

امروزه با افزایش جمعیت و آلودگی فزاینده، در اکثر کشورهای توسعه یافته، زیست پذیری به عنوان یک اصل در چهارچوب پایداری مطرح می گردد. زیست پذیری به معنای قابلیت یک محیط با تأمین نیازهای زیستی ساکنان اعم از مادی و غیرمادی در جهت ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد محیطی در راستای شکوفایی توانمندی های شهروندان است. استدلال می شود که ارزیابی زیست پذیری، می تواند با ارائه یک روش قابل توصیف، برای ارزیابی محیط های شهری و کیفیت آنها، با رویکردهای گوناگون به اجرای برخی از برنامه های جدید شهری کمک کند. خلق فضای شاد شهری نیز به عنوان یکی از خواسته های متخصصان در چند دهه اخیر مطرح بوده است. از این رو توجه به مباحثی مرتبط با کیفیت زندگی شهری و زیست پذیری به عنوان یک نیاز اساسی در جوامع توسعه یافته احساس می شود. احساس رضایت و شادی از شاخصه های اساسی زندگی فردی و اجتماعی محسوب می شود، که رابطه مستقیمی با شرایط زندگی و ارتباطات اجتماعی دارد. در این پژوهش فضاهای شهری و ارتباط بین این فضاها از طریق مولفه هایی نظیر انعطاف پذیری، خوانایی، تنوع کالبدی و نفوذپذیری ارزیابی شد. مفهوم زیست پذیری و ارزشیابی عوامل فوق مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس مبانی نظری و تئوری های ارائه شده از طرف صاحب نظران و همچنین مطالعات انجام شده در رابطه با شهر خوب، راهکارهایی (که در بخش یافته ها به آن اشاره شده است) معرفی شد که می تواند تا حدی در مرتفع کردن مشکلات و ایجاد فضای شهری خوشایند برای ساکنان مفید واقع گردند. با درک نیازهایی که در محیط شهری متوجه مادران و کودکان آنها است و در نظر گرفتن فضاهایی جهت گذراندن اوقات فراغت، ایجاد فضایی امن برای استفاده از دوچرخه که ضمن ایجاد فضای جمعی مناسب و اعمال تنوع به روش های مختلف در شهر از میزان آلودگی هوا نیز می کاهد، مسیریابی راحت و غیره که هر کدام زیر مجموعه ای از مولفه های شهری کارا می باشند، راهکارهای حاصله هستند.

واژگان کلیدی: زیست پذیری، کیفیت زندگی، فضای شهری شاد.

نحوه استناد به مقاله: حسنی، کیانوش، بهاری نژاد، مرجان (۱۴۰۰). تبیین ارائه راهکارهای طراحی فضاهای شهری زیست پذیر شاد در راستای ارتقای کیفیت زندگی. فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط، ۲(۷)، تابستان ۱۴۰۰. صص. ۴۱-۵۴.

http://www.ei-journal.ir/article_139794.html

۱- مقدمه

فضای شهری، محیطی است سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم به صورت بستری برای فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی. انسان جزئی از فضا است و با ارزش و هنجارهای خود به این فضاها معنی می‌بخشد. الگوهای روابط اجتماعی ثابت نبوده و یک فضا با جایگزین شدن رابطه اجتماعی خاص، چهره متفاوتی به خود می‌گیرد (پاکزاد، ۱۳۹۱). حس‌ها بخشی از زندگی روزمره است و تجربیات حسی ناشی از زندگی در یک مکان، به شهروندان این امکان را می‌دهد که مکان را متمایز از دیگر فضاها به خاطر بسپارند (Carmona et al, 2010).

از نگاه پدیدارشناسان حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (Relph, 1976). حس تعلق و دلبستگی به مکان در سطح بالاتری از حس مکان قرار دارد، که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفاء می‌نماید (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰). اهمیت حس تعلق به مکان به قدری در شهرهای امروزی اهمیت دارد که نیاز جهت ایجاد پارادایم جدید به عنوان حس تعلق مکانی احساس می‌گردد (Steele, 1981: 424). طراحی شهری ضرورتاً دربارهٔ ایجاد مکان است (Carmona et al., 2010: 7). دپارتمان حمل‌ونقل، محیط و مناطق و کمیسیون معماری و محیط ساخته شده نیز در سال ۲۰۰۰ تعریف شفافی از طراحی شهری تحت عنوان «هنر خلق مکان‌ها برای مردم» ارائه دادند (Madanipour, 2003). مردم به مکان نیاز دارند تا در آن خود، زندگی اجتماعی‌شان و فرهنگ‌شان را رشد و گسترش دهند. در مکان، آنها می‌توانند صحنه‌های گوناگونی را تدارک ببینند و خاطره‌های جمعی بسازند. به این ترتیب فضای شهری واجد ارزش معنایی می‌شود و مکان انباشت خاطره‌های جمعی و صورخیالی مردمان می‌شود. در مردمان، حس تعلق را بر می‌انگیزد و آنان را به حضور در تعیین سرنوشت آیندهٔ مکان تشویق می‌کند (شاهین‌راد، ۱۳۸۶: ۲۳). اگر تمرکز توسعه فضاهای شهری بر فن‌های آرایشی و طراحی گذاشته شود همچنین برای ایجاد تجربه‌های حسی به یادماندنی و ایجاد حس شادی در افرادی که از این نوع فضاها استفاده می‌کنند، تلاش شود، رویکردی با عنوان فضاهای شهری شاد حاصل می‌گردد (Madanipour, 2003).

باید بیان کرد کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی و متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است. کیفیت زندگی دربارهٔ حالت و احساسات شخصی و زندگی شخصی افراد است پس می‌توان اظهار داشت کیفیت زندگی موضوعی ذهنی است که با رفاه کلی و عمومی افراد در ارتباط است. به‌طور کلی شاخصه‌های کیفیت زندگی افراد در عواملی چون: تعالی مالی، سلامتی، ثبات سیاسی و امنیت، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی، جغرافیا و اقلیم، امنیت شغلی، آزادی سیاسی و برابری جنسیتی بکار گرفته می‌شود (Michalos, 2014). بر اساس مطالب ذکر شده کیفیت مطلوب زندگی تنها در سایهٔ زیست-پذیری در یک مکان محقق می‌شود (عیسی‌لو و همکاران، ۱۳۹۳). از دیگر عوامل ارتقای کیفیت زندگی ایجاد سرزندگی است همچنین به گفته سقراط نشاط و شادی شهروندان، هدف اصلی ایجاد شهرها است (گلکار، ۱۳۸۵).

باید توجه داشت فضاهای عمومی شهری آینهٔ زندگی و فعالیت‌های مردمان هر شهر در هر دوره است. چراکه در این فضاهاست که مناسبات چهره به چهره، اجتماعات سیاسی و مراسم و جشن‌های عمومی رخ می‌دهد. به واسطهٔ همین جریان‌هاست که مفاهیمی چون مشارکت شهروندی و جامعه مدنی و در نتیجه، حس تعلق به مکان تقویت می‌گردد. در پی آن کیفیت‌های دسترسی‌پذیری، احساس امنیت، برقراری تعاملات اجتماعی، حس مکان، کاربری‌های مختلط و آلودگی‌های محیطی به بالاترین کیفیت خود می‌رسد. ایجاد فضاهای شاد، سرزنده و شاداب سعی دارد بهره‌وری شهروندان منطقه را افزایش داده، از این‌رو کیفیت زندگی افراد نیز دستخوش تغییرات قرار گرفته و باعث دستیابی به برنامه‌ریزی‌های کلان می‌شود.

۱- بیان مسأله

در جهان کنونی، شهرها مکان اصلی کار و زندگی انسان‌ها شده‌اند. اگرچه در گذشته شهرها، پدیده‌هایی استثنایی و کمیاب بودند، امروزه به مکان اصلی سکونت انسان و هنجار تبدیل شده‌اند. همین‌طور همه‌روزه، با افزایش جمعیت، به تبعیت از آن مشکلات دربرگیرندهٔ شهرها رو به افزایش است. قسمتی از این بحران مربوط به توسعهٔ فیزیکی گسترده‌ای است که زمین‌های

اطراف شهرها را به سرعت می‌بلعد و بخشی از آن به نابرابری اجتماعی، از بین رفتن حس تعلق به مکان و هویت مکانی و کیفیت زندگی مرتبط است. از آنجایی که این شرایط، شرح اوضاع و وضعیت بسیاری از شهرهای معاصر است، راهکارهای گوناگونی برای مواجهه با آن ارائه شده است. یکی از این راهکارها زیست‌پذیری است که در جست‌وجوی افزایش کیفیت زندگی، رفاه و امکانات است از سویی دیگر با افزایش جمعیت، نابرابری‌های اجتماعی و از بین رفتن حس تعلق به مکان، هویت مکانی و زندگی اجتماعی که کیفیت زندگی جوامع را تهدید می‌کنند، زیست‌پذیری به وجود آمده و رشد کرده و از سمت مردم محلی و برنامه‌ریزان برای دستیابی به فضایی پایدارتر و کاربردی‌تر مورد حمایت قرار گرفته است (Jacobs & Appleyard, 2010).

حال با توجه به نکات مطروحه سعی شد تا به تعیین مفهوم توسعه با رویکرد زیست‌پذیری شاد که موجب ارتقای کیفیت است، پرداخته شود و زمینه‌ای برای تحقق یافتن اهداف پژوهش یعنی طرح مدل شهری در منطقه مورد مطالعه با پاسخگویی به اهداف نظری پژوهش شامل تعیین عناصر تأثیرگذار در زیست‌پذیری‌های شاد و تعیین شاخصه‌های ارتقای کیفیت فضاهای شاد ایجاد گردد. سوالات ایجاد شده به شرح ذیل است:

۱. عوامل تأثیرگذار بر زیست‌پذیری فضاهای شاد چیست؟

۲. چه عواملی بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد؟

۲- مبانی نظری

اصول کلی از فضاهای شهری

فضاهای شهری به آن دسته از فضاهای باز عمومی موجود در شهر اطلاق می‌شود که بستر تعاملات اجتماعی است. به گونه‌ای که فضاهای شهری را می‌توان فضاهای باز، عمومی و همچنین فضایی که امکان ایجاد تعاملات اجتماعی را دارا باشد، نام‌گذاری کرد (کریم‌خانی، ۱۳۹۸). می‌توان در نظر داشت زمانی که محیط خود را در معرض ادراک قرار می‌دهد، اجزایی از آن، که برجسته‌تر و نیز دارای تأثیرات بیشتری است کیفیت، نام‌گذاری می‌شود. ولی محیط ادراک‌پذیر، آن چیزی است که در پیرامون قرار دارد و به صورت بالقوه با افراد در ارتباط است. در نتیجه ویژگی‌های کیفی که از محیط‌های ادراک‌پذیر می‌توان بیان کرد شامل؛ سازگاری، نفوذپذیری، تنوع و گوناگونی، انعطاف‌پذیری، خوانایی، پایداری، کارایی، سرزندگی و در نهایت انسان‌مداری است (بهرامی و خسروی، ۱۳۹۴). به گونه‌ی دیگر می‌توان بیان کرد این عوامل در سرزندگی محیط نیز تأثیرگذار هستند (کریم‌خانی، ۱۳۹۸). بنابراین می‌توان اینک با نگاهی به فضاهای موجود و تحلیل آنها، به یک الگوی شهری کارا و پایدار نزدیک شد.

۱. انعطاف‌پذیری

انعطاف‌پذیری^۲ مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد، در یک تعریف کلی می‌توان گفت انعطاف‌پذیری شهری اشاره به توانایی سیستم شهر و تمام شبکه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و تکنولوژی مرتبط با آن دارد که در شرایط بحرانی و خاص، در یک زمان واحد بتواند به صورت مطلوب به نیازها پاسخگو باشد و توانایی به روز کردن و هماهنگ کردن سریع خود را در شرایط مختلف داشته باشد (Meerow et al, 2016). در مقیاس کوچک‌تر انعطاف‌پذیری به مفهوم توانایی و قدرت فضا در پذیرفتن عملکردها و مواز دادن فعالیت‌های گوناگون در خود می‌باشد و به عبارت ساده‌تر، مکان‌هایی که به دلیل امکانات و تجهیزات، ابعاد فضا، وجود سطوح مختلف و ... در یک زمان یا در زمان‌های مختلف پاسخگوی عملکردهای گوناگون باشند (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵). انعطاف‌پذیری مفهوم جدیدی نیست و با کیفیت مطلوب در مسکن سنتی شهری و روستایی همه کشورهای از جمله ایران از گذشته‌های دور مورد استفاده بوده است (عینی‌فر، ۱۳۸۲: ۶۵). در دهه‌های اخیر با پیشرفت تکنولوژی و استفاده‌های گوناگون آن

^۲ Flexible از نظر لغوی به معنای قابل تغییر بودن به گونه‌ای که این تغییر به راحتی و طبق شرایط انجام گیرد و با واژه Changeable معادل قرار داده شده است.

در ساختمان، پدیده جدیدی به نام انعطاف‌پذیری وارد عرصه معماری و شهرسازی گشته است. انعطاف‌پذیری یک کیفیت در معماری است و توصیف‌کننده ویژگی از آن است که تمرکز آن بر تطبیق‌پذیری و ایجاد یک راه‌حل برای فراهم ساختن نیازهای ما، یعنی یک پاسخ سریع می‌باشد. با در نظر گرفتن افزایش تقاضای انرژی و یا نبود راهکارهای مناسب جهت پاسخ‌گویی به تغییرات آب‌وهوایی محیط اطرافمان، انعطاف‌پذیری می‌تواند راه‌حل مناسبی جهت کنترل مشکلات پیش‌رو باشد و آغازی برای نوآوری نوین تلقی گردد (شفق‌نیا و دیگران، ۱۳۹۲). طراحی انعطاف‌پذیر طراحی است که بدون نیاز به تغییرات کالبدی، الگوهای رفتاری را در زمان‌های مختلف تأمین کند. چنین فضایی، فضای چندمنظوره با سیمای ثابت نامیده می‌شود. اما انعطاف‌پذیری ترکیب مکان‌هایی است که بتوانند برای منظوره‌های مختلفی استفاده شوند. این نوع طراحی در مقایسه با مکان‌هایی که فقط برای یک نوع استفاده، طراحی شده‌اند و به شهروندان خود حق انتخاب بیشتری می‌دهند (کریم‌خانی، ۱۳۹۸). فضاهای شهری به‌عنوان یک مکان مترکام از رویدادها، تعاملات و فرصت‌های متنوع حیات جمعی، بیشتر از هر مکانی نیازمند طراحی با زمینه‌ای منعطف است. یکی از اصول پشتیبانی انعطاف‌پذیری فضا آن است که در طراحی چیدمان عناصر، تا آنجا که ممکن است، به بالاترین حد همزیستی برسند. به علت آنکه خدمات جانبی فضا، به‌مرور زمان نیاز به تغییر و تحول داشته و اساساً غیرثابت‌ترین عناصر فضا هستند.

۲. خوانایی

خوانایی^۳ محیط را می‌توان قابلیت آن برای شناساندن خود به مخاطب، برای یافتن مسیر خویش در آن و در طول آن، تعریف کرد (Peponis, et al, 1989). لینچ (۱۹۶۰) خوانایی را به عنوان «سهولتی که مبتنی بر آن، بخش‌های یک محیط شهری بتوانند باز شناخته شده و در الگویی منسجم سازمان یابند» تعریف کرد (Lynch, 1960: 2-3). خوانایی نشان‌دهنده میزان سهولت خواندن و فهمیدن هر چیزی است. خوانایی، کیفیت بصری از شهر است که ملاحظه آن با مطالعه تصویر ذهنی که مردم از محل زندگی خود دارند انجام می‌شود.

خوانایی یک محدوده شهری و یا یک معماری، لزوماً به پلان ساده و قابل‌فهم آن مرتبط نمی‌شود. بافت‌های شطرنجی منظم شهری که دارای نشانه‌های ضعیفی هستند، از بافت‌های ارگانیک پلان‌های منسجم‌تری دارند. لیکن همین بافت‌ها، در مقایسه میزان خوانایی، ضعف واضحی از خود به نمایش می‌گذارند و آن مسأله شباهت بیش از اندازه فضاها در دید انسانی است. لذا یک مجموعه شهری با یک بافت نامنظم، برای یک غریبه ممکن است خواناتر از یک شبکه منظم شطرنجی باشد که غالب فضاها در آن دارای ارزش مشترکی هستند (همدانی‌گلشن، ۱۳۹۴: ۹۱).

خوانایی بر این اساس، کیفیتی از محیط مصنوع است که توسعه و دقت نقشه‌های شناختی را تحت تأثیر قرار داده، بر مسیریابی و رفتار فضایی متعاقب آن تأثیر خواهد گذاشت. بدیهی است مردم در یک محیط شهری یا ساختمان خوانا به آسانی نقشه‌های شناختی خود از محیط را تشکیل می‌دهند و مقصد خود را بدون تلاش زیاد پیدا می‌کنند (دیدهبان، پوردیهیمی و ریسمانچیان، ۱۳۹۲: ۴۳).

در عمل، به دلیل کیفی بودن این شاخص محیطی، سنجش مستقیم آن دشوار است؛ از این‌رو، محققان عموماً با توجه به وجوه خوانایی و اهداف تحقیق از شیوه‌های غیرمستقیم، برای سنجش درجه خوانایی یک محیط استفاده کرده‌اند. یک شیوه براساس سنجش توانایی شناخت فضایی و ارزیابی دقت کروکی‌های یک محیط مصنوع یا صحت (درستی) بازشناسی تصاویر محیط در یک قرارگاه طبیعی یا شبیه‌سازی تجربی است (Evans, 1980). شیوه دیگر، سنجش عملکرد مسیریابی است که پیامد خوانایی یک محیط، روی شناخت فضایی است (Haq, 2001).

³ .Intelligibility

۳. تنوع کالبدی

مکانی که دارای گوناگونی کاربری است، دربرگیرنده گونه‌های متنوع ساختمان، با شکل‌های متنوع است. یک چنین فضایی، انسان‌های مختلفی را در اوقات گوناگون بامنظورهای متفاوت به خود جذب می‌کند.

۴. نفوذپذیری

نفوذپذیری^۴ از معیارهای ارزیابی کیفیت بافت‌های شهری در تصمیم‌گیری‌ها است. در شناسایی بافت‌های فرسوده و آسیب‌پذیر، قابلیت‌های بافت شهری برای افزایش تراکم جمعیت، کارایی بافت شهری در مواجهه با سوانح طبیعی و دسترسی به خدمات اضطراری، نفوذپذیری یکی از معیارهای مهم ارزیابی است (امین‌زاده‌گوهرریزی و بدر، ۱۳۹۱: ۴۰).

فقط فضاهایی می‌توانند به مردم قدرت انتخاب بدهند که برایشان قابل‌دسترس هستند. بنابراین حدی از قدرت انتخاب که یک محیط به مردم می‌دهد تا بدان طریق از مکانی به مکانی دیگر بروند کیفیت است که این کیفیت نفوذپذیری نام دارد. هرچند تعبیه و در نظر گرفتن نفوذپذیری باید به‌گونه‌ای باشد که محرمیت فضا خدشه‌دار نگردد و به جنبه‌های خصوصی و عمومی فضا توجه شود (کریم‌خانی، ۱۳۹۸) واژه نفوذپذیری و دسترسی^۵ و اتصال^۶ گرچه در تحلیل بافت‌های شهری پیوندهای مفهومی با هم دارند و گاهی به عنوان معادل هم به کار می‌روند با این حال به نظر می‌رسد از جهاتی واجد تمایزند. نفوذپذیری در سایر معرفت‌ها نیز مفهوم شناخته شده‌ای است، معمولاً بر اساس قابلیت‌های یک پدیده در پذیرش یا جذب پدیده‌ای دیگر در خود تعریف می‌شود. پدیده اول می‌تواند خاک، فرهنگ و بافت شهر باشد و پدیده دوم، آب، نگرش و سیستم‌های حرکتی. اگر چه در مورد بسیاری از پدیده‌ها نفوذپذیری یک ویژگی جوهری است در مورد بافت‌های شهری نفوذپذیری، پاسخ یا سازوکاری است که آگاهانه برای سهولت یا محدود کردن نظامی از حرکت انتخاب می‌شود. تعاریف ارائه شده از نفوذپذیری به سهولت، تنوع و تراکم مسیرهای ورود و خروج و همچنین زمان و فاصله دستیابی به نقاط مختلف بافت‌های شهری اشاره دارند (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۱). نفوذپذیری را به جنبه‌های بصری و دیداری نیز معطوف نموده‌اند. استمپس در تحقیقات خود نشان می‌دهد نفوذپذیری بصری بافت‌های شهری در ارتباط با حس محصوریت قرار می‌گیرد و نفوذپذیری حرکتی در ارتباط با امنیت (Stamps, 2005: 54).

دسته‌بندی دیگری در زمینه نفوذپذیری ارائه شده است که به نوعی به پالایش شدن (جدا کردن) و یا پالایش نشدن نظام‌های حرکتی در بافت‌های شهری اشاره دارد. ترکیب و یا جدا نمودن حرکت پیاده، دوچرخه و وسایل نقلیه و یا محدود نمودن هر کدام از نظر میزان نفوذپذیری در بافت مصداقی از آن است (Melia, 2007: 11). نفوذپذیری و دسترسی، مستقل از هم نیستند و شاید نفوذپذیری جزئی از دسترسی پنداشته شود، با این حال محوریت بررسی در نفوذپذیری؛ بافت‌های شهری و در دسترسی؛ انسان یا پدیده دسترسی‌گیرنده، است (لینچ، ۱۳۸۴: ۲۴۱).

مفهوم اتصال گرچه در پاره‌ای از متون با نفوذپذیری معادل پنداشته می‌شود، اما در اتصال ارتباط به تعداد پیوندها از و به یک مکان خاص (معمولاً تقاطع‌ها) متکی است، در حالی که نفوذپذیری به ظرفیت این پیوندها (اتصال‌ها) در انتقال و یا تسهیل سیستمی از حرکت بستگی دارد. برای مثال تعریض معابر (در یک بافت شهری) ممکن است نفوذپذیری را در مقابل نظامی از حرکت افزایش دهد، اما کیفیت اتصال را تغییر نمی‌دهد (Marshall, 2005).

اگر چه نفوذپذیری در کلیت مفهومی خود به عنوان پدیده‌ای واجد ارزش و مثبت در شهر محسوب می‌شود. اما بدین مفهوم نیست که نمونه‌های بافت‌های نفوذپذیر فاقد ارزش‌های تاریخی و شهرسازانه‌اند. نفوذپذیری سازوکاری است که محیط انسان-

ساخت در جهت برآورد نیازهای فرهنگی، زیست‌محیطی انتخاب می‌کند. نیازهایی که در فرهنگ‌های مختلف و طی زمان ممکن است متفاوت باشد. بافت‌سکونت‌گاه ممکن است با پیچیدگی دسترسی (گذرها) و به وجود آوردن محدودیت ارتفاع، ساکنان را از یورش ناگهانی بیگانه به‌طور نسبی ایمن بدارد. ممکن است دور بودن از نگاه غیر و بیگانه به عنوان یک جنبه از نیاز به امنیت سبب پیکره‌بندی خاصی از فضا شود و چشم‌انداز انسان را محدود کند؛ در این صورت نفوذپذیری بافت یک ارزش شهرسازانه است و طراح در شکل‌دهی به محیط با داده‌هایی (ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و سنت‌ها که مستقیماً زاده این محیط است) روبرو می‌شود (نقی‌زاده، زمانی و کرمی، ۱۳۸۹: ۶۳).

از نظر کاربران بررسی‌شده تاکنون در فضاهای شهری، عواملی چون توجه به نحوه طراحی مسیرهای پیاده، امکان دسترسی به فضاهای فرهنگی تفریحی، از بین بردن نابرابری فضایی و اجتماعی (Ballas & Mark, 2012)، توجه به عواطف و احساسات شکل‌گرفته در محدوده، ایجاد حس تعلق و دل‌بستگی به مکان (Marshall, 2005). ایجاد مشارکت و تعامل افراد در مکان و همچنین ارائه خدمات متناسب با نیازهای همه‌جانبه شهروندان (رحمتی، ذوالفقاری و رمضان نژادکوتنایی، ۱۳۹۲)، در شکل‌گیری زیست‌پذیری فضاهای شاد نقشی تأثیرگذار ایفاء می‌کنند.

۱-۲- مفهوم زیست‌پذیری

زیست‌پذیری، اساساً از اواخر قرن بیستم به‌منظور دستیابی به ایده‌های برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفته است (Jacobs & Appleyard, 2010). جین جیکوبز^۷ زیست‌پذیری را به‌عنوان یکی از رویکردهای دستیابی به محیط شهری باکیفیت و قابل زیست، همچنین باهدف بهبود کیفیت فضاهای شهری با مقیاس انسانی در شهرهای مدرن معرفی کرد. مطالعات انجام‌شده تاکنون برای ارائه مفهومی مناسب از زیست‌پذیری نشان می‌دهد، اجماع نظر در تعریف زیست‌پذیری به وجود نیامده است، اما در تعاریف ارائه‌شده مشترکاتی چون تأمین رفاه و رضایت ساکنان، کیفیت زندگی، تأمین نیازهای گوناگون، دستیابی به زندگی مطلوب و... به چشم می‌خورد. بدیهی است این عوامل می‌توانند در مکان‌های مختلف، متفاوت باشند. از این‌رو، باید به اقلیم محلی، محیط‌زیست، منابع، نهادها، فرهنگ، اقتصاد و مردم محلی و نیازها و خواسته‌های آن‌ها توجه دقیق داشت.

۲-۲- فضاهای شهری شاد

از عهد باستان، به احساسات مثبت انسان از جمله شادی توجه می‌شده است. در گذشته‌های دور برداشت افراد از شادی، مترادف با مفهوم شانس بود. اما امروزه این باور تا حدود زیادی تغییر کرده است. شادی یک کانسپت و مفهوم نامشخص نیست، بلکه معادله‌ای تعریف‌شده و قابل اندازه‌گیری است و مستقیماً تحت تأثیر محیط ساخته‌شده پیرامون انسان است (گلکار، ۱۳۸۵). شادی یک مفهوم جمعی است که همه عناصر سیستم شهر را در برمی‌گیرد. قلمروهای عمومی اگر به‌درستی طراحی شود می‌تواند فراهم‌کننده عالی‌ترین فرصت‌ها برای زندگی اجتماعی، تعاملات و توسعه شبکه‌های اجتماعی لازم برای سیستم بوده در نتیجه سلامت فیزیکی و احساس خوشبختی شهروندان را به همراه داشته باشد (موننگمری، ۱۳۹۶). در جدول زیر به برخی از تعاریف مطرح شده در زمینه شادی اشاره شده است:

جدول ۱- تعاریف مختلف شادی از دیدگاه‌های نظریه پردازان منابع مختلف

تعریف شادی	نظریه پرداز
به سه عنصر در وجود انسان اشاره می‌کند که عبارتند از: قوه عقل، هیجانات و امیال. وی شادی را حالتی می‌داند که بین این عناصر تعادل وجود داشته باشد (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۱).	افلاطون
به نظر او شادمانی به قضاوت فرد از میزان مطلوبیت کیفیت کل زندگی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر شادمانی به این معنا است که فرد چقدر زندگی خود را دوست دارد (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۱).	ون‌هون (۱۹۹۸)
شادی را تجربه احساس نشاط و خوشی و نیز دارا بودن این احساس که فرد زندگی خود را خوب، با معنا و با ارزش بداند، در نظر گرفته‌اند. شادی یک پدیده ذهنی و درونی (امیدیان، ۱۳۸۸).	لایوبومیرسکی و همکاران (۲۰۰۵)
شادکامی از جلوه‌های برجسته هیجان مثبت در آدمی است که از درون افراد و روان آنها سرچشمه می‌گیرد و هرکس به فراخور خود آن را تجربه می‌کند (صالحی‌عمران و هاشمی، ۱۳۹۱).	میرشاه جعفری و عابدی (۱۳۸۱)

می‌توان گفت، شادی دارای سه جزء اساسی عاطفی، شناختی و اجتماعی است. جزء عاطفی (هیجانی) باعث می‌شود فرد شادکام، همواره از نظر خلقی شاد باشد؛ جزء اجتماعی، گسترش روابط اجتماعی را به دنبال دارد و جزء شناختی موجب می‌گردد فرد شادکام، وقایع روزمره را طوری تفسیر کند که خوش بینی وی را به دنبال داشته باشد (امیدیان، ۱۳۸۸). مهم‌ترین معیاری که در ارزیابی محیط‌های شهری باید لحاظ شود، کیفیت عرصه‌های عمومی شهری موجود در آن است. واقعیت اجتناب‌ناپذیر این است که مردم بر اساس کیفیت آنچه در پیرامون خود می‌بینند و تجربه می‌کنند، در مورد آن قضاوت می‌کنند. همچنین فضاهای شهری خوب با مفهوم کیفیت مطلوب آن سنجیده می‌شود، این دسته از فضاها علت مقیاس عملکردی و همچنین طیف متنوع و گسترده مخاطبان خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان هستند، که ایجاد آرامش، شادی و سرگرمی، فراهم آوردن ارتباط، زمینه معاشرت و امکان تردد نقش به سزایی در عملکردهای فضاهای عمومی شهری را ایفاء می‌کند. از این رو افزایش کیفیت این دسته از فضاها بیش از سایر انواع فضاها موجب ایجاد جامعه شهری سالم و شکوفا خواهد شد. با توجه به گفته مک کال بهترین راه رسیدن به کیفیت زندگی، اندازه‌گیری میزان نیازهای شادی‌آوری است که مردم با آن مواجه می‌شوند (Ngesan et al, 2012). در نتیجه با شناخت عوامل مؤثر در ایجاد فضاهای زیست‌پذیر شاد می‌توان گامی در راستای بهبود کیفیت زندگی شهروندان برداشت.

۲-۲-۱- عوامل شادی در شهر

بر طبق نظرسنجی گالوپ بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ در بین ۱۵۵ کشور، کشورهای دانمارک، فنلاند، نروژ، سوئد، هلند جز شادترین کشورهای جهان بودند. بر اساس تحلیل‌ها ایران در رده پایین میزان شاد بودن قرار دارد. در سال ۲۰۱۶ نیز دانمارک به عنوان شادترین کشور انتخاب شده است (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

به طور خلاصه می‌توان گفت برخی از عوامل زمینه‌ساز شادی در شهر به قرار زیر است:

جدول ۲- عوامل مؤثر بر شادی در شهر

توضیح	نظریه پردازان
احساس سالم بودن، احساس امنیت و اعتماد به اطرافیان، وجود عدالت در جامعه، حس تعلق افراد به مردم، شهر، محیط زندگی، احساس آزادی، روابط اجتماعی پایدار، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، لمس بیش‌تر طبیعت در شهر و... (موننگمری، ۱۳۹۶: ۱).	چارلز موننگومری
نبود فقر، سالم و تندرست بودن، برخورداری از آب سالم، مردم تحصیل‌کرده، کاهش نابرابری‌ها و وجود عدالت، انرژی پاک و مقرون به صرفه، رشد اقتصادی، روابط اجتماعی، مشارکت‌پذیری، تغییرات اقلیمی، تعادل عرضه و تقاضا و... (Lee, 2008).	سازمان ملل متحد
نبود فقر و بیکاری، فرهنگ کاری راحت و بی تنش، خانواده‌های محکم، دانشگاه‌های رایگان، هویت اجتماعی مشخص برای جوانان، طبیعت بکر و معماری شهری زیبا، آلودگی محیطی ناچیز و امکان انجام ورزش کوه‌نوردی، شبکه اجتماعی بسیار قوی، شهر دوست‌دار محیط‌زیست، خدمات بهداشتی رایگان و...	شهر شاد دانمارک

۲-۲-۲- اهمیت شادی در شهر

سقراط در قرن پنجم پیش از میلاد گفته است: هدف اصلی از ایجاد شهر، تأمین نشاط و خوشبختی شهروندان است. این گفته سقراط رابطه دیرین و مستحکم میان دو مفهوم شهر و نشاط و سرزندگی را به خوبی نشان می‌دهد. بر مبنای چنین دیدگاهی اساساً شهر به مثابه دستگاه، وسیله یا مرکبی برای نیل به شادی، نشاط و سرزندگی تلقی می‌گردد (گلکار، ۱۳۸۵: ۲۴). شادی و نشاط به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر و به دلیل تأثیرات عمده‌ای که بر زندگی افراد دارد، همواره ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. در آموزه‌های دینی و روان‌شناختی، به جایگاه و اهمیت شادی در زندگی افراد و عوامل و آثار آن توجه ویژه‌ای شده است. شادی و نشاط از عناصر مهم برای زندگی انسان‌ها است. به طوری که مورد توجه ادیان و علوم مختلف بوده است (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۲). زیستن در شهرهای شاد، علاوه بر سلامتی، بر طول عمر و امید به زندگی ساکنان این شهرها بسیار اثر گذار است. زندگی در شهرهای شاد دل‌بستگی بیش‌تری را به محلات و همسایگان ایجاد می‌کند (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۷). اینگلهارت (۱۳۷۳) در این زمینه بیان می‌دارد که؛ سطح پایین رضایت از زندگی و احساس خوشبختی، منجر به گرایش‌های منفی نسبت به کل جامعه، و دوره‌های طولانی برآورده نشدن آرزوها و انتظارات، نگرش‌های بدبینانه‌ای پدید می‌آورد که این بدبینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۷). در مطالعات جدید "ادبیات شادی" روی نقش مکان، جوامع محلی، پیوستگی اجتماعی و حس تعلق حساب جدی باز می‌کند. این توجه بر مفهوم شادی به‌گونه‌ای است؛ که کمیت و کیفیت فضاهای شهری زمینه‌ساز شادمانی شهروندان به‌ویژه در کلان‌شهرهایی همچون تهران می‌شود و با توجه به این اصل اگر به زمینه‌سازی‌های شادمانی شهروندان پرداخته شود، می‌تواند گامی در راستای بهبود کیفیت مکان برداشته شود. در واقع می‌توان گفت رابطه دوطرفه‌ای بین شادی و کیفیت فضاهای شهری وجود داشته که تقویت یکی به دیگری کمک کرده و هر کدام می‌توانند شاخصه‌ای بر دیگری باشند. این نوع ارتباط عمدتاً در رابطه با کیفیت‌های پایه فضاهای شهری رخ می‌دهد و می‌توان شاد بودن را کیفیتی پایه در بررسی فضاهای شهری دانست (Costanza et al, 2010: 285).

مرور ادبیات نظری شهر شاد نشان‌دهنده آن است که تجربه‌های بازآفرینی فضاهای شهری، توسعه و همچنین برنامه‌های مدیریت شهری، نقش مهمی در شکل‌گیری این رویکرد داشته‌اند. به صورتی که فلسفه شکل‌گیری کتاب «شهر شاد» مونتگمری^۸، دیدار با شهردار شهر بوگوتا^۹ و تحلیل اقدامات انجام‌شده توسط وی در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری بوده است. بر اساس دیدگاه مونتگمری، یک شهر پس از تأمین نیازهای اولیه مانند غذا و مسکن بایستی آزادی واقعی، حرکت و ساخت زندگی را ارائه دهد همچنین به شیوه‌ای عادلانه، فضا، خدمات، امکانات، لذت و تفریح، سختی و هزینه بین افراد اختصاص دهد. همچنین وی در این کتاب بیان می‌کند که شهرها با جهان در حال تغییر مواجه هستند، محیط شهری در حال تجربه جهانی شدن است، دنیایی را دیده است که متراکم، به‌هم‌پیوسته و پیچیده در تجارت، فرهنگ و جغرافیا شده است. شهرها در حال رقابتی‌تر شدن هستند و دولت‌های سراسر جهان تشخیص داده‌اند که شهرها نیازمند رقابتی شدن در عناصر بیشتری در مقایسه با ثروت هستند. دیگر تنها مرکز مالی بودن کافی نیست. در نتیجه رتبه‌بندی شهرها در شاخص شهر شاد به‌عنوان ابزاری رقابتی، به توسعه شهرها منجر خواهد شد (مونتگمری، ۱۳۹۶).

۲-۲-۳- ویژگی‌های شهرهای موفق و جذاب

باید این نکته را یادآور شد که شهرهای موفق و جذاب، ضمن برخورداری از کیفیت‌های فیزیکی در خور توجه، به واسطه تنوع و اختلاط کاربری‌ها و فعالیت‌ها شاخص می‌گردند. مرکز چنین شهرهایی تنها مجموعه‌ای از مغازه‌ها نیست، بلکه بستری برای

8- Montgomery

9- Bogota

فرهنگ، سرگرمی، اوقات فراغت، تفریح، زندگی مدنی و تبادل دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها و نظرهای اجتماعی فراهم می‌آورد (تیبالدز، ۱۳۸۷: ۳۰). در این میان می‌توان به برخی ویژگی‌های شهر سرزنده و مردم‌پسند نیز اشاره نمود: برخی از شاخص‌های شناسایی محیط‌های سرزنده شامل تراکم افراد پیاده، تنوع و ماهیت قرارگاه‌های رفتاری موجود، وجود فعالیت‌های موسمی، تنوع استفاده‌کنندگان، تنوع فرم و رنگ در منظر شهری و ... می‌باشد (گلکار، ۱۳۸۵: ۲۵). اگر فضایی امن و مطلوب فراهم شود و فعالیت‌ها و تفریحات سالم مطابق با ارزش‌های جامعه میسر گردد، حضور فعال مردم و به تبع آن سرزندگی افزایش می‌یابد (سعیدرضوانی و خستو، ۱۳۹۰).

جدول ۳- ویژگی‌های شهر خوب

توضیح	
شهر سرزنده شهری برای مردم است. حرکت مردم میان ساختمان‌ها، همراه با شادی و تحرک، جریان زندگی و شادی مردمان شهر را نشان می‌دهد. اندازه شهر و میزان شلوغی اهمیت ندارد. مهم این است که به چه میزان احساس می‌شود. شهر شهروندان را برای حضور در مکان‌ها دعوت می‌کند.	شهر زنده
سلامتی با برنامه‌ریزی شهری ارتباط تنگاتنگی دارد. دعوت مردم به تحرک و حضور در فضاها، با بهبود سطح پیاده و یا دوچرخه حائز اهمیت است.	شهر سالم
شهر خوب شهری است که شهروندان خود را با اطمینان دعوت به راه رفتن، دوچرخه سواری و ماندن در شهر کند.	شهر ایمن
با توجه به آلودگی‌های موجود آمده در شهرها، حرکت به سوی شهرهای پایدار بسیار حائز اهمیت است.	شهر پایدار

منبع: صفاری نیا، ۱۳۹۴

۳- پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه نظری، تحقیقاتی توسط صاحب‌نظران در قالب کتب و مقالات صورت گرفته است. که برخی از آنها به شرح ذیل می‌باشند:

جدول ۴- نمونه موردی عملی و نظری در کشورهای خارجی و ایران

نوع پژوهش	نویسنده	موضوع	موضوعات مطرح شده
	حسین حاتمی‌نژاد (۱۳۹۶)	مقدمه‌ای بر زیست‌پذیری شهری راهبردی نوین در برنامه‌ریزی شهری ^{۱۰}	تعریف اصول و مبانی زیست‌پذیری، شاخص‌های زیست‌پذیری نحوه سنجش زیست‌پذیری شهری
	آرش قاسم‌پور و علیرضا امجدی- ملائی (۱۳۹۶)	زیست‌پذیری فضاهای شهری ^{۱۱}	تبعیض توسعه‌های شهری در سطوح دسترسی شهری، فرسودگی فضاهای شهری، تقسیم‌بندی‌های دوگانه، بالادست و پایین‌دست

^{۱۰} منتشر شده در نشر آراد کتاب، تهران.

^{۱۱} منتشر شده در انتشارات سخنوران.

کتاب	مجتبی یزدانی (۱۳۹۷)	کیفیت زندگی شهری ^{۱۲}	شاخصه‌های مختلف بهبود کیفیت زندگی، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری
	چارلز مونتگمری (۱۳۹۶)	شهر شاد ^{۱۳}	تأکید بر بُعد زیبایی‌شناسانه، طراحی خردمندانه، احساس راحتی و شادی بر اساس اعتقاد چارلز مونتگمری به اصل "لازمه نجات جهان، شاد بودن است".
	Adams MD (2013)	کیفیت فضاهای شهری و رفاه ^{۱۴}	توجه به جنبه‌های تجربی در کیفیت و رفاه فضاهای شهری، یافته‌های حاصله بر این باور است هیچ معیاری دقیقی وجود ندارد که مفهوم کیفیت را انتقال دهد به همین دلیل هنگام ارزیابی کیفیت فضاها جنبه‌های تجربی نادیده گرفته می‌شود.
مقالات	احمد پوراحمد، حاتمی نژاد، حسین، زیاری، کرامت الله و علیچانی، سعیده (۱۳۹۸)	نگرشی جدید بر زیست‌پذیری شهری تهران	اهمیت شرایط محیط‌زیست در شهر زیست‌پذیر، نقش اقلیم و آب‌وهوا بر بر ارتقاء کیفیت زیست‌پذیری
	محمدتقی حیدری، شمعی، علی، ساسان پور، فرزانه، سلیمانی محمد و احدنژاد روشتی، محسن (۱۳۹۶)	تحلیل عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری	شناخت وضعیت زیست‌پذیری در محدوده مشخصی، با بافت فرسوده
	فرزانه ورحدرشیرازی (۱۳۹۴)	ارتقا سرزندگی و حس تعلق به مکان در فضاهای شهری ^{۱۵}	ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء سرزندگی و حس تعلق به مکان
	حمید کریمخانی (۱۳۹۸)	ارائه مدل کاربردی طراحی فضاهای شهری زیست‌پذیر شاد با رویکرد ارتقای کیفیت زندگی ساکنین	بررسی محدوده رودهن، طرح پرسشنامه لزوم ایجاد زیست‌پذیری، ارائه مدل و راهکارهایی درصدد بهتر شدن فضاهای شهری رودهن

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

^{۱۲}. منتشر شده در انتشارات تیس، تهران.

^{۱۳}. کتاب مذکور در انتشارات آراد کتاب، تهران توسط حسین حاتمی‌نژاد ترجمه شده است.

13- Quality of urban spaces and wellbeing

^{۱۵}. مقاله مذکور منطقه ۵ شهر اصفهان را به عنوان مطالعه موردی انتخاب کرده و در اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری یزد منتشر کردند.

۴- روش پژوهش

هسته هر تحقیق و پژوهش رویه آن است و انتخاب روش تحقیق هم به نوع مسأله و هم به مرحله تعمق درباره آن بستگی دارد. همچنین ملاک دیگری در انتخاب نوع روش مفید است و آن علاقه شخصی محقق به نوع تحقیق است. در تحقیق پیش‌رو از روش اسنادی، مطالعه کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات استفاده شد. چارچوب نظری با استفاده از مرور نوشتارهای تخصصی مربوطه و مدل ارزیابی بر اساس مبانی تبیین گردید؛ سپس بر اساس شاخص‌های مستخرج شده، و داده‌های مربوط به میزان شادی از طریق پرسشنامه گردآوری شد و با در نظر داشتن شاخص‌ها از مبانی نظری و مطالعات گذشته پرسشنامه طراحی شد و در اختیار گروهی از متخصصین مرتبط با موضوع (اساتید دانشگاه) گذاشته شد.

۵- بحث‌ها و یافته‌ها

با توجه به عوامل فضاهای ادراک پذیر که شامل انعطاف پذیری، خوانایی، تنوع کالبدی و نفوذ پذیری است، در راستای مبانی نظری و تئوری های شهر خوب در هر مورد، موضوعاتی ارائه شد که در جدول شماره ۵ اشاره شده است. در راستای اجرای این راهکارها که شامل توجه به نیازهای مادر و کودک، پیش‌بینی فضاهای اوقات فراغت، عدم ایجاد آلودگی‌های محیطی، سهولت مسیریابی، ایجاد هم‌بستگی، هم‌پیوندی با محیط ساختار شهر، ایجاد فضاهای جمعی، ایجاد تنوع فرم و رنگ در منظر شهری، استفاده از دوچرخه و ... هستند که در نهایت در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهری و در نهایت ایجاد شهر شاد می‌شود.

جدول ۵- راهکارهای ایجاد فضای شهری شاد

نتایج به دست آمده	راهکارهای ایجاد فضای شاد	معیارهای فضاهای ادراک پذیر	
ارتقای کیفیت زندگی	توجه به نیازهای مادر و کودک	انعطاف‌پذیری	فضاهای ادراک- پذیر
	پیش‌بینی فضاهای اوقات فراغت		
	عدم ایجاد آلودگی‌های محیطی		
ایجاد حس تعلق به مکان ایجاد فضاهای امن و مطلوب	سهولت مسیریابی- ایجاد هم‌بستگی، هم‌پیوندی با محیط ساختار شهر	خوانایی	
	اهمیت به زمینه		
	ایجاد فضاهای جمعی		
	ایجاد تنوع فرم و رنگ در منظر شهری		
ارتقای کیفیت زندگی ایجاد رونق اقتصادی کاهش میزان بیکاری ایجاد بستری برای فرهنگ و اوقات فراغت	گونه‌های مختلف کاربری و فعالیت‌ها	تنوع کالبدی	
	ارائه خدمات متنوع		
ایجاد محیطهای ایمن	استفاده از دوچرخه	نفوذپذیری	
	توجه به معیارهای ویژه معلولین		
	توجه به بنا		
	دسترسی ساده به حمل‌ونقل عمومی		

۶- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با شناسایی و بررسی متغیرهای تنوع کالبدی، خوانایی، انعطاف‌پذیری و نفوذپذیری که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد شادی در فضاهای شهری نقش بسزائی دارند، صورت گرفته است. انسان‌ها مخاطبین فضاهای شهری هستند که همواره با درک محیط پیرامون خود از آن تاثیر گرفته و آن را به دیگر افراد جامعه منتقل می‌کنند. طبق تحقیق و بررسی‌های انجام شده می‌توان اذعان کرد فضاهای شهری به لحاظ بحث روان‌شناختی و جامعه‌شناسی در تشکیل حیات جمعی این فرصت را در اختیار افراد با گروه‌های سنی و جنسیتی (عمومی بودن) مختلف در هر زمان و بدون هیچ محدودیتی قرار می‌دهند تا به واسطه تعاملات اجتماعی بتوانند تا حد قابل توجهی از طریق تعریف فضا برای افراد خاص، کاهش تنش‌ها و گذراندن اوقات فراغت باعث ارتقاء سطح روانی در جامعه شوند. بر این اساس طراحی فضاهای شهری مستلزم انعطاف‌پذیری جهت افزایش سطح همزیستی بین ساکنان شهر می‌باشد. خوانایی متغیر دیگری است که نقش مهمی در تجربه افراد و همچنین ادراک آنها را از محیط شهری بر عهده دارد، و می‌توان رابطه تنگاتنگی بین این متغیر با کیفیت فضایی قائل شد. با بررسی این متغیر این نتیجه حاصل می‌شود که ایجاد فضای شهری امن و ایده‌آل سبب ایجاد حس تعلق مکان شده که این مهم از طریق ایجاد فضاهایی جهت اجتماعات ساکنین، ساختار شهری منسجم و از همه مهم‌تر سهولت در مسیریابی را می‌طلبد. بدیهی است که ساکنان چنین شهرهایی نقشه‌های شناختی خود از محیط پیرامون دریافت کرده و به راحتی مسیر خود را پیدا می‌کنند.

۷- منابع:

۱. امیدیان، مرتضی، (۱۳۸۸)، "بررسی وضعیت سلامت عمومی و شادکامی در دانشجویان دانشگاه یزد"، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، جلد ۱۵، شماره ۲۰، صص ۱۱۶-۱۰۱.
۲. امین‌زاده گوه‌ریزی، بهرام و بدر، سیامک، (۱۳۹۱)، "تحلیل شاخص‌های نفوذپذیری در بافت‌های شهری"، دو فصل‌نامه هویت شهر، شماره ۱۲، سال ششم، زمستان ۱۳۹۱.
۳. بنتلی، ای.ین، الکک، آلن، مورین، پال، گلین، سومک و اسمیت، گراهام، ترجمه: مصطفی بهزادفر، (۱۳۸۹)، "محیط‌های پاسخده"، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۴. بهرامی، بختیار، خسروی، آرش، (۱۳۹۴)، "ارزیابی عوامل موثر در ارتقای کیفیت گردش پیاده در داخل و خارج مراکز خرید شهری مطالعه موردی: مجتمع تجاری کردستان - سنندج"، نشریه هنرهای زیبا، دوره بیستم، شماره ۱، صص ۹۱-۱۰۰.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۹۱)، "راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران (مثلث آبی)"، تهران، انتشارات شهیدی.
۶. تیبالدز، فرانسیس، ترجمه: مروارید قاسمی اصفهانی، (۱۳۸۷)، "ساختن شهرهای مردم‌پسند: ارتقای محیط عمومی در شهرهای کوچک و بزرگ"، انتشارات روزنه، تهران.
۷. دیده‌بان، محمد، پوردیهیمی، شهرام، ریسمانچیان، امید، (۱۳۹۲)، "رابطه بین ویژگی‌های شناختی و پیکره‌بندی فضایی محیط مصنوع. تجربه‌ای در دزفول"، شماره ۴، دو فصل‌نامه معماری ایران، مطالعات معماری ایران، صص ۳۷-۶۴.
۸. رحمتی، مریم، ذوالفقاری، ساناز و رمضان نژادکوتنایی، علی، (۱۳۹۲)، "کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی و حفاظت محیط‌زیست و نقش فناوری نوین نانو"، اولین همایش ملی توسعه دانش‌بنیان صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، ماهشهر.
۹. سعیدرضوانی، نوید و خستو، مریم، (۱۳۹۰)، "عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری؛ خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده"، نشریه هویت شهر، سال چهارم، جلد ۶، شماره ۹، صص ۷۴-۶۳.
۱۰. شفق‌نیا، مهسا، تقی‌زاده، کتایون و آصفی، مازیار، (۱۳۹۲)، "بررسی نقش ساختارهای متحرک و باز و بسته‌شونده در دستیابی به یک معماری انعطاف‌پذیر"، کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار معماری و شهرسازی، تهران.
۱۱. صالحی‌عمران، ابراهیم و هاشمی، سهیلا، (۱۳۹۱)، "تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی بر اساس مولفه‌های شادکامی"، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، جلد ۵، شماره ۴۴، صص ۱۴۱-۱۴۶.
۱۲. صفاری‌نیا، مجید، چاپ اول، (۱۳۹۴)، "مقدمه‌ای بر روان‌شناسی شهری"، جلد دوم، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، نشر تیسرا، تهران.
۱۳. عینی‌فر، علی‌رضا، (۱۳۸۲)، "الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۳، تهران.
۱۴. فلاحت، محمدصادق، (۱۳۸۵)، "مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن"، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۵.
۱۵. کریم‌خانی، حمید، (۱۳۹۸)، "ارائه مدل کاربردی طراحی فضاهای شهری زیست‌پذیر شاد با رویکرد ارتقای کیفیت زندگی ساکنین (نمونه موردی: رودهن)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معماری به راهنمایی دکتر زهرا خدایی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری.
۱۶. گلکار، کوروش، (۱۳۸۵)، "نشاط و سرزندگی در شهر به کمک طراحی شهری"، مجله شهرنگار، جلد ۳۹، صص ۲۸-۲۴.
۱۷. لینچ، کوین، ترجمه: حسین بحرینی، (۱۳۸۴)، "تئوری شکل شهر"، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۸. موسوی، سیدمحسن، چاپ اول، (۱۳۹۲)، "شادمانی رویکردهای نظری و یافته‌های تجربی"، شهرداری تهران، اداره کل مطالعات فرهنگی و اجتماعی، انتشارات تیسرا.
۱۹. مونتگمری، چارلز، (۱۳۹۶)، "شهر شاد"، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و دیگران، تهران: انتشارات آزاد کتاب.
۲۰. نقی‌زاده، محمد، زمانی، بهادر و کرمی، اسلام، (۱۳۸۹)، "ملاحظات فرهنگی در شکل‌دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی"، دو فصل‌نامه هویت شهر، شماره ۷، تهران.
۲۱. همدانی گلشن، حامد، (۱۳۹۴)، "بازاندیشی نظریه «نحو فضا»، رهیافتی در معماری و طراحی شهری: مطالعه موردی: خانه بروجردی‌ها، کاشان"، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴.

1. A. Jacobs, D. Appleyard, Toward an Urban Design Manifesto, Journal of the American Planning Society, 2010.
2. Ballas, Dimitris. Mark, Tranmer (2012) Happy people or happy places? A multilevel modeling approach to the analysis of happiness and well-being, International Regional Science Review, Vol.35, No.1, pp.70-102.
3. Carmona, M., Heath, T., Oc, T. & Tiesdell, S., Public Places-Urban Spaces, Architectural Press: Oxford, 2010.
4. Costanza, R. Fisher, B. Ali, S. Beer, C. Bond, L. Boumans, R & Gayer, D. E. (2010). "An integrative approach to quality of life measurement, research, and policy". SAPI EN. S. Surveys and Perspectives Integrating Environment and Society, (1.1).
5. Evans, G. W. (1980). Environmental cognition. Psychological bulletin 88(2): 259-287.
6. Haq, S. U. (2001). Complex architectural settings: An investigation of spatial and cognitive variables through wayfinding behavior. Unpublished doctoral dissertation. Georgia Institute of Technology, Atlanta.
7. Lynch, K. (1960). The Image of the City. London: The M.I.T. Press.
8. Lee, Y.-J., (2008), Subjective quality of life measurement in Taipei, Building and Marans RW. Live happy (2356). Retrieved from <http://www.happyacts.org/ideas>.
9. Madanipour, A., Public and Private Spaces of the City, Routledge: London, 2003.
10. Marshall, Stephen, (2005). "Street and Pattern". London and New York: Spon Press.
11. Melia, Steve, (2007). "Eco Town Mobility". Local Transport Today.
12. Michalos, Alex C. economist Intelligence Unit Quality of Life Index. Encyclopedia of Quality of Life and Well-Being Research (2014).
13. Meerow S, Newell JP, Stults M. (2016). Defining urban resilience: A review. Landscape and Urban Planning, Vol. 147, PP. 38-49.
14. Ngesan, R &, Abdul Karim, M & H, Impact of Night Commercial Activities towards Quality Of Life of Urban Residents, Procedia – Social and Behavioral Sciences, 35(3), 546–555. (2012).
15. Peponis, J, Hajinikoloaou, E, Livieratos, C, Fatouros, D.A, (1989), The Spatial Core of Urban Culture, Ekisitics, No.56, PP 43-55.
16. Relph, E. (1976), "Place and Placelessness", Pion, London.
17. Stamps, Arthur, (2005). "Visual Permeability, Locomotive Permeability, Safety and Enclosure". California: Environment and Behavior.
18. Steele, Fritz (1981), "The Sense of Place", CBI Publishing Company, Boston.